

سرمقاله

شهید مزاری و آرمان حاکمیت مردم بر سرنوشت

در چنین زمانه و شرایطی است که شهید مزاری به عنوان سکان‌دار حزب وحدت اسلامی افغانستان مسئولیت پیشبرد حاکمیت اراده مردم را بر بنیاد برابری و برادری در افغانستان تعقیب می‌نماید. از این رو برخی از اهداف و آرمان‌هایی که شهید مزاری در طول حیات سیاسی خود به‌ویژه در سال‌های پایانی عمر خود از طریق ارائه طرح‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود به یادگار گذاشت، مجموعه‌ای از اهداف و مقاصد انسانی قرن بیست و یک بوده و است که با گذشت زمان اهمیت و جایگاه این اهداف و آرمان در جامعه افغانستان روز به روز برجسته‌تر و فرازمندتر مطرح شده و مورد استقبال کنشگران نسل دوم و سوم پسامزاری قرار می‌گیرند. شهید وحدت ملی استاد مزاری چند ویژگی برجسته و فرازمند داشت که از وی به عنوان یک انسان مصلح و تغییر دهنده مسیر تاریخ

شهید مزاری یکی از چهره‌های شاخص و برجسته سیاسی نیم قرن اخیر افغانستان است که تا آخرین لحظات حیات سیاسی و طبیعی خود برای حاکمیت اراده مردم بر سرنوشت خود و راست کردن کژی‌های متداول در سیاست افغانستان از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد. شهید مزاری در رأس آرمان مردمی قرار گرفته بود که در طی یک قرن اخیر مورد قتل عام، ستم، تبعیض و بایکوت قرار گرفته بود و علی‌رغم نقش برجسته تمام مردم و رهبران جهادی در پیشبرد جهاد و شکست ارتش سرخ شوروی سابق، در حکومت موقت پیشاور بخشی از مردم و گروه‌های سیاسی و فعال افغانستان به عمد نادیده گرفته شدند و گام‌های برای تداوم محرومیت و تبعیض و راندن آنان از مراکز تصمیم‌گیری در فردای پیروزی مجاهدین هم‌چنان برداشته می‌شد.

افغانستان نیز می‌توان یاد کرد.

شهید مزاری از بعد ویژگی فردی و منافع شخصی، انسان به تمام معنا وارسته بود و در راستای منافع شخصی خود قدمی و قلمی برنداشت، ثروتی نیندوخت، ساختمان و حسابی بانکی در داخل و خارج نداشت و به تمام معنا یک وارسته و تکین از بُعد مالی به حساب می‌آمد. از این رو حتی سرسخت‌ترین مخالفان وی در این بُعد در مقابل این ویژگی فرازمند وی سر تسلیم و تعظیم فرو آورده‌اند.

ویژگی برجسته دیگری شهید مزاری نگاه عمیق و استراتژیک به مسایل سیاسی و راه حل بحران افغانستان بود. با پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱ و آغاز تنش‌های گروهی و قومی در افغانستان، شهید مزاری به برادری و برابری اقوام و ملیت‌ها و تحکیم روابط میان آنان عمیقاً باورمند بود و دشمنی آنان را فاجعه می‌دانست و هیچگاه با کسانی که مردم غرب کابل را به خاطر تعلق قومی و سیاسی شان مورد تاخت و تاز قرار داده بودند، از در خصومت تباری و سمتی وارد نشد بلکه تمام تلاش وی در راستای تحکیم برادری و برابری کتله‌های اجتماعی برای حل معضل به وجود آمده از طریق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود بود.

در زمانه‌ای که برخی رهبران سیاسی و نظامی بر بنیاد همان افکار آمیخته از ایدئولوژی و فرهنگ قبیله‌ای بر انحصار قومی و جنسیتی در حکومت تأکید داشتند و حضور برخی از اقوام و نصف از جمعیت افغانستان را به دلیل قومیت و جنسیت بر نمی‌تافتند، شهید مزاری حق تعیین سرنوشت و حضور در هرم قدرت، سیاست و سایر فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی را برای همه به طور برابر در سرلوحه فعالیت‌های حزب وحدت اسلامی قرار داده بود و بخشی از بانوان به عنوان اعضای شورای مرکزی آن حزب مشغول فعالیت و تلاش

بودند. اتخاذ این نوع سیاست در آن شرایط و با آن دیدگاه‌های موجود منجمد، بسته و انحصاری از اهمیت بالایی برخوردار بوده و است.

منظومه فکری شهید مزاری تک بعدی نبود بلکه وی این اهداف و آرمان‌های گوناگون را حول یک محور کلیدی قابل تحقق می‌دانست؛ برابری و برادری تمام شهروندان افغانستان و حضور مؤثر در تعیین سرنوشت خود بر بنیاد انتخابات آزاد، شفاف و عادلانه بر محور «عدالت اجتماعی و حاکمیت مردم». وی برای رسیدن به عدالت اجتماعی و حاکمیت اراده مردم بر سرنوشت خود را تغییر «ساختار نظام سیاسی» می‌دانست. از دید وی تا زمانی که ساختار سیاسی بسیط، بسته و متمرکز به نظام متکثر، غیرمتمرکز و همه شمول متحول نشود و منابع قدرت و اقتصاد به صورت عمودی و افقی تقسیم نشود، رفع ستم تاریخی و تبعیض مزمن رسوب کرده از گذشته، میسر نخواهد بود و شعار «تحقق عدالت اجتماعی» و «حاکمیت بر سرنوشت» برای شهروندان افغانستان آرزوی بیش نخواهد بود.

از این رو شهید مزاری در زمانه‌ای که مجال اندیشیدن اندک بود و از زمین و هوا بر مردم و مقرر حزب وحدت اسلامی در علوم اجتماعی و کارته سه و چهار در کابل آتش می‌بارید، طرح نظام فدرال (جمهوری اسلامی فدرال افغانستان) را به عنوان نسخه عبور از بحران و راه رسیدن به برادری و برابری و تحقق عدالت اجتماعی و حاکمیت خواست مردم بر سرنوشت خود مطرح کرد و این طرح پیشنهادی نشان انضباط و آینده نگری در منظومه فکری وی نسبت به اراده مردم می‌باشد.

اینک پس از سه دهه، طرح پیشنهادی نظام فدرال که شهید مزاری در آن شرایط سخت مطرح کرده بود، به عنوان گفتمان غالب راه نجات افغانستان از دور باطل جنگ، منازعه، خون‌ریزی

عدالت اجتماعی و بررسی دلایل مخالفان فدرالیسم در افغانستان همراه با ارائه برخی الگوهای موفق از نظام فدرالیسم در دنیا بررسی شده است. در بخش دوم پیرامون فدرالیسم، نظام سیاسی مطلوب، اهمیت عدالت اجتماعی، نقش اراده مردم بر تعیین سرنوشت خود، کارایی و موانع آن در اندیشه شهید مزاری، مورد کنکاش قرار گرفته است.

ما معتقد هستیم که بحث فدرالیسم و ساختار منطبق با شرایط و اقتضائات آن در افغانستان نیازمند بحث‌های تئوری و علمی از زوایای گوناگون می‌باشد تا به یک توافق ذهنی و عملی نسبی پیرامون بهتر بودن این نوع نظام برای تمام شهروندان افغانستان برسیم، هرچند رسیدن به این نقطه زمان و انرژی زیادی می‌طلبد و به دغدغه‌های مخالفان و موافقان باید پاسخ‌های درخور شأن داده شود.

از این رو بنیاد اندیشه به عنوان یک نهاد فکری و وظیفه خود می‌داند که مثل گذشته پیرامون موضوعات و مسایل کلان ملی با سعه صدر و رعایت جنبه‌های فکری و علمی زمینه سالم این مباحث را بیش از پیش فراهم نموده تا باشد با تجربه از گذشته گامی در مسیر بهبود وضعیت فعلی افغانستان در راستای حاکمیت اراده مردم، برداشته باشد.

وانحصارطلبی و حاکمیت اراده مردم بر سرنوشت خود یکبار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده و در محافل علمی، سیاسی و اجتماعی به عنوان بهترین راه حل معضل افغانستان مطرح شده است.

از این رو بنیاد اندیشه در آستانه بیست و هشتمین سالگره شهادت شهید مزاری «شهید وحدت ملی» ویژه نامه عدالت و امید را به این مهم اختصاص داده است تا این موضوع از زوایای گوناگون علمی، سیاسی و اجتماعی مورد بحث و واکاوی قرار بگیرد و به عنوان امکان‌سنجی ساختار فدرال در افغانستان، مطرح شود زیرا طبق سیاست غالب در افغانستان طرح نظام فدرال به دلیل تابوسازی آن، تاکنون آن‌گونه که شایسته و لازم است، مورد توجه و بحث همه جانبه قرار نگرفته و به عنوان یک گفتمان جدی حتی در مراکز علمی و دانشجویی مطرح نشده است. پس از نشر فراخوان موضوع ویژه‌نامه، این موضوع با استقبال گرم اندیشمندان و نویسندگان قرار گرفت و مقالات و مطالب متعددی به آدرس تحریریه عدالت و امید رسید که پس از گزینش تحت دو عنوان «امکان‌سنجی ساختار فدرال در افغانستان» و «شهید مزاری و فدرالیسم» آماده نشر شد.

در بخش اول مبانی، اصول، مزایا، چالش‌ها، نسبت فدرالیسم با نظام سیاسی اسلام، دموکراسی،

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴